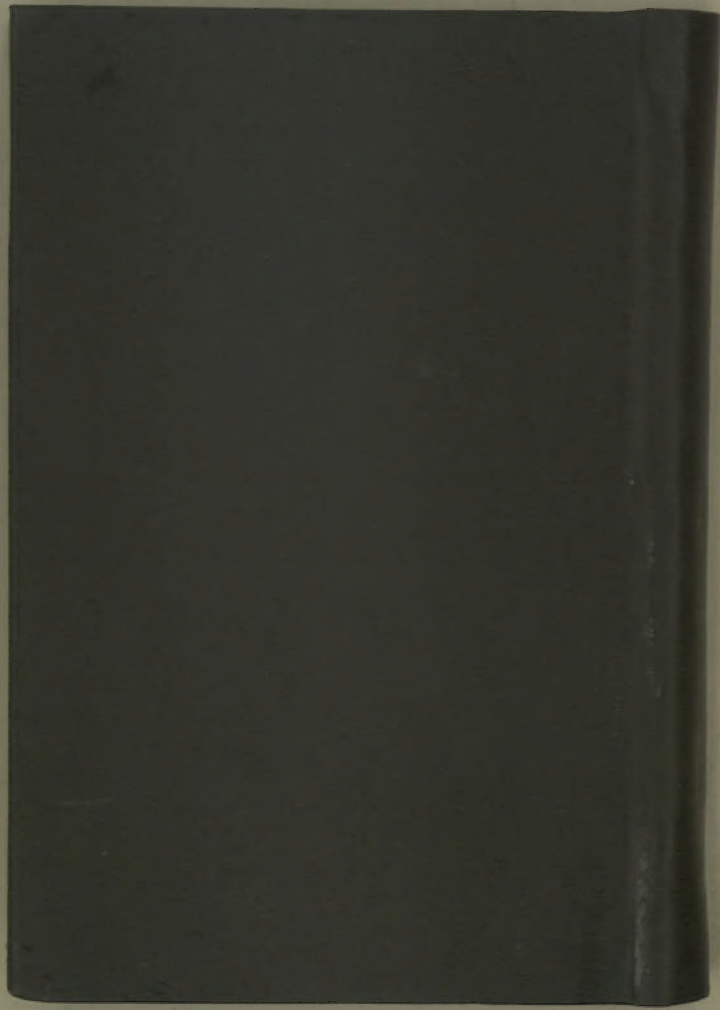


arrive



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: مجتبی‌الانصاف الصلحی و زاهدی

مؤلف: آیت الله العظمیٰ انصاف المصطفیٰ

مترجم: آیت الله العظمیٰ محمد باقر

شماره قفسه: ۲۰۷۴۷۳



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۲۰۷۴۷۳

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: مجتبی‌الانصاف الصلحی و زاهدی

مؤلف: آیت الله العظمیٰ انصاف المصطفیٰ

مترجم: آیت الله العظمیٰ محمد باقر

شماره قفسه: ۲۰۷۴۷۳



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

۲۰۷۴۷۳

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

ساز و ثبت کتاب

کتاب: جمهوری اسلامی ایران

مؤلف: آیت الله العظمی الخميني

مترجم: آیت الله العظمی الخميني

شماره قفسه: ۲۰۷۴۷۲

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
تاسیس ۱۳۵۷

بود هر چه چرخ را از علوم در میان
 قطعها را و دریم تابوشتن و خوانند
 این نسخه هر کس را رغبت افتد چون
 آن دوست و یسیت مدد را
 صبیان نام کریم و بالله التوفیق و علیه
 القطعة الأولى الاستعانة في تحرير المقادير

در این نسخه هر چه چرخ را از علوم در میان
 قطعها را و دریم تابوشتن و خوانند
 این نسخه هر کس را رغبت افتد چون
 آن دوست و یسیت مدد را
 صبیان نام کریم و بالله التوفیق و علیه
 القطعة الأولى الاستعانة في تحرير المقادير

جواز این نسخه هر چه چرخ را از علوم در میان
 قطعها را و دریم تابوشتن و خوانند
 این نسخه هر کس را رغبت افتد چون
 آن دوست و یسیت مدد را
 صبیان نام کریم و بالله التوفیق و علیه
 القطعة الأولى الاستعانة في تحرير المقادير

جواز این نسخه هر چه چرخ را از علوم در میان
 قطعها را و دریم تابوشتن و خوانند
 این نسخه هر کس را رغبت افتد چون
 آن دوست و یسیت مدد را
 صبیان نام کریم و بالله التوفیق و علیه
 القطعة الأولى الاستعانة في تحرير المقادير

آر دین

لَحْنٍ سَمٍ وَزُجَّاجٍ أَلَيْكُنْهُ مَعْدَنُ كَانَ

منهم من لم يفرق بين
العلم والدين

در بیان این که در این کتاب

صفتی که در این کتاب مذکور است
و در این کتاب مذکور است

بمعنی خوار از ا
عجز یعنی سست
در گذشتن بم
دور شدن
دوران چار
بدان بضم د

نسخه ۱۰۰ بهای مخصوص
مصر که آن کجاست
مصر که آن کجاست
مصر که آن کجاست

عَنْهُ أَرْضًا وَهَاتَ مِنْهُ دُونَ حَكْمٍ

فَاعِلَاتُ فَاعِلَاتُ فَاعِلَاتُ فَاعِلَاتُ

زَبُّوْ

خیر و بخیر و مل این قطعه در بر

جیل درون صد و سیصد و بیست و دو

همه جنگ و خون و کشته و گریه
روشن شود بزم شام و کینه و غم

عالمی شرف
بازماند
نفس را از حلاوت و سکون زان عالم و مقام
نفس روزگار از لذت و لذت

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
موسى بن جعفر

[illegible]

شط و شاطی عدو و جلوه عقیقه و سا
 معبر لخت بکدر اند معبران جای گذر
 بنجامه ستر پوده رفقه پاره و کهن
 الظهاره ابوه دان و الیطانه استر
 الطهاره و کون طاهره و ارا و طاهره

عقاد قهوه راح مدام قرقف می
کمی دلا و رفادس سوار صید شکار
غریب پد است صنوبر خلاف ناز و سید
چون گل خرمای صاد قوت دلبر خوار
ورق چمر شاخ درخت است و غصن شاخ
چود و صرغ درخت و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار

عقاد قهوه راح مدام قرقف می
کمی دلا و رفادس سوار صید شکار

غریب پد است صنوبر خلاف ناز و سید
چون گل خرمای صاد قوت دلبر خوار
ورق چمر شاخ درخت است و غصن شاخ
چود و صرغ درخت و غنای اسفندار

چون غنای اسفندار و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار

و غنای اسفندار و غنای اسفندار
و غنای اسفندار و غنای اسفندار
و غنای اسفندار و غنای اسفندار
و غنای اسفندار و غنای اسفندار

چون غنای اسفندار و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار

چون غنای اسفندار و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار

چون غنای اسفندار و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار

چون غنای اسفندار و غنای اسفندار

چون غنای اسفندار و غنای اسفندار

چون غنای اسفندار و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار

چون غنای اسفندار و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار
چون غنای اسفندار و غنای اسفندار

فصل پنجم در بیان صفات و احوال و غیره
 و در بیان احوال و صفات و غیره
 و در بیان احوال و صفات و غیره

فصل پنجم در بیان احوال و صفات و غیره

عَلَيْهِ تَوْبَهُ نِشَارِ وَ جَرَهُ جَهَنَّمَ

و در بیان احوال و صفات و غیره
 و در بیان احوال و صفات و غیره
 و در بیان احوال و صفات و غیره

و در بیان احوال و صفات و غیره
 و در بیان احوال و صفات و غیره
 و در بیان احوال و صفات و غیره

فصل پنجم در بیان احوال و صفات و غیره

فَصِيلَ وَ اَمَّ عَصَبَهُ جَوْهَرُ طَوْفِ كَرْدِ

چنانکه ایم حش اَحم است و اشع

و در بیان احوال و صفات و غیره
 و در بیان احوال و صفات و غیره
 و در بیان احوال و صفات و غیره

فصل پنجم در بیان احوال و صفات و غیره
 و در بیان احوال و صفات و غیره
 و در بیان احوال و صفات و غیره

بَطْنِ بَرَكْ شَكْمَ بَاشْدَ جَرِينِ خَرْمَنِ

بَشِيرِ مُرْدَه دَهْنَدَه حَمِيرِ جَمْعِ حَمَارِ

عَقُورِ کَلْبِ کَرْنَدَه جَمَلِ شَرِ بَاشْدَ

شَتَا است فَضْلِ زَمَستانِ رَسِيعِ

شَمَامَه عَطَرِ بُوْدِ بُوِي بُوِيْدَانِ جُوْنَه

بَمَدِّ وَ قَصْرِ تَوْمَا وَ زِدِّ رَا کَلَابِ شَمَارِ

و در بیان احوال و صفات و غیره
 و در بیان احوال و صفات و غیره
 و در بیان احوال و صفات و غیره

بنا برده بود مال پرخاوه لبند
 و مال بنی را از اندام لایق
 و مال بنی را از اندام لایق
 و مال بنی را از اندام لایق

ممد بناده بود مال پرخاوه لبند

کلاس جلیس و درخت زمین آب
 و کلاس جلیس و درخت زمین آب
 و کلاس جلیس و درخت زمین آب
 و کلاس جلیس و درخت زمین آب

و حیض شسته دهنش شستن برنج
 و حیض شسته دهنش شستن برنج
 و حیض شسته دهنش شستن برنج
 و حیض شسته دهنش شستن برنج

ذلول رام و سن خفته یقظ بیدار
 و ذلول رام و سن خفته یقظ بیدار
 و ذلول رام و سن خفته یقظ بیدار
 و ذلول رام و سن خفته یقظ بیدار

عوان و قلیب کالو عرب شوهر دست
 و جوان و قلیب کالو عرب شوهر دست
 و جوان و قلیب کالو عرب شوهر دست
 و جوان و قلیب کالو عرب شوهر دست

قلام برده بار یک تکه مندا راو
 و قلام برده بار یک تکه مندا راو
 و قلام برده بار یک تکه مندا راو
 و قلام برده بار یک تکه مندا راو

مراج جای شتر مریض است جای غم
 و مراج جای شتر مریض است جای غم
 و مراج جای شتر مریض است جای غم
 و مراج جای شتر مریض است جای غم

کیناس دان و جادان اهو و کشتان
 و کیناس دان و جادان اهو و کشتان
 و کیناس دان و جادان اهو و کشتان
 و کیناس دان و جادان اهو و کشتان

القطعة الخامسة في مجر المجت

بیزد و صد ف خاطر هن پرو ر

و مجر مجت و لكس سفینهای كسر

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

مخوان و بعد وی این قطعه نصاب

ا قریب ركن حیم است خویش این بستر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر
و ملید و طفل بچه ام و والده مادر
و ملید و طفل بچه ام و والده مادر
و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

این کسر و مکرر با، فقط نمی آید و در این کسر
و ملید و طفل بچه ام و والده مادر
و ملید و طفل بچه ام و والده مادر
و ملید و طفل بچه ام و والده مادر
و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و مجر مجت و لكس سفینهای كسر

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

مخوان و بعد وی این قطعه نصاب

ا قریب ركن حیم است خویش این بستر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

و ملید و طفل بچه ام و والده مادر

ملك فاشقون به ولا هم في شرف
ملك فاشقون به ولا هم في شرف
ملك فاشقون به ولا هم في شرف
ملك فاشقون به ولا هم في شرف

ملك فرشته فلك جرح مشرب

شهاب و كوكب و درخت و تخم جاحش

فلق سینه شفق و شفق در اول شب

و یبیه دختر زن یکتا و امینه دان دختر

و یبیه دختر زن یکتا و امینه دان دختر

ملك فاشقون به ولا هم في شرف
ملك فاشقون به ولا هم في شرف
ملك فاشقون به ولا هم في شرف
ملك فاشقون به ولا هم في شرف

ملك فرشته فلك جرح مشرب

شهاب و كوكب و درخت و تخم جاحش

فلق سینه شفق و شفق در اول شب

و یبیه دختر زن یکتا و امینه دان دختر

و یبیه دختر زن یکتا و امینه دان دختر

ملك بزه بقر و نور كا و عجل جاحش

مرا و زهره طحال كبد سینه و جگر

فلق سینه شفق و شفق در اول شب

و یبیه دختر زن یکتا و امینه دان دختر

و یبیه دختر زن یکتا و امینه دان دختر

و یبیه دختر زن یکتا و امینه دان دختر

ملك بزه بقر و نور كا و عجل جاحش

مرا و زهره طحال كبد سینه و جگر

فلق سینه شفق و شفق در اول شب

و یبیه دختر زن یکتا و امینه دان دختر

و یبیه دختر زن یکتا و امینه دان دختر

و یبیه دختر زن یکتا و امینه دان دختر

ملك بزه بقر و نور كا و عجل جاحش

مرا و زهره طحال كبد سینه و جگر

فلق سینه شفق و شفق در اول شب

و یبیه دختر زن یکتا و امینه دان دختر

و یبیه دختر زن یکتا و امینه دان دختر

و یبیه دختر زن یکتا و امینه دان دختر

علاوت سندان فطیس مینک و منجدم
علاوت سندان فطیس مینک و منجدم
علاوت سندان فطیس مینک و منجدم

قدوم صحت تنشه خصین و فاس نجر
قدوم صحت تنشه خصین و فاس نجر
قدوم صحت تنشه خصین و فاس نجر

سوار دست و بجن جو باو احطال
سوار دست و بجن جو باو احطال
سوار دست و بجن جو باو احطال

علاوت سندان فطیس مینک و منجدم
علاوت سندان فطیس مینک و منجدم
علاوت سندان فطیس مینک و منجدم

بدی خستین ثانی دویم اخیرین

نقیض اولی آخری و لغزت دگر

نقیض کرته یلق قباء و ریطه و کو
نقیض کرته یلق قباء و ریطه و کو
نقیض کرته یلق قباء و ریطه و کو

نصیف هجو خما داست مضغه معجز

نصیف هجو خما داست مضغه معجز
نصیف هجو خما داست مضغه معجز
نصیف هجو خما داست مضغه معجز

نقیض کرته یلق قباء و ریطه و کو
نقیض کرته یلق قباء و ریطه و کو
نقیض کرته یلق قباء و ریطه و کو

نصیف هجو خما داست مضغه معجز
نصیف هجو خما داست مضغه معجز
نصیف هجو خما داست مضغه معجز

و دلال اهل بی بی حضرت
براهمه و سید و زلف
ذغال بر آتش و فتنه
حاله و بی بی اهل بی بی
آتش که فتنه فاکان
ناله و بی بی اهل بی بی

[illegible]

صَمَّ جَوْنَصَبْ وَنَصَبْ دَان وَجِيتْ وَنَدَ
 وَنَبْتْ وَنَقَبْتْ وَنَبْتْ وَنَبْتْ وَنَبْتْ
 جَوْنَدِ شَارِفْ وَنَابِتْ وَنَابِتْ
 اَقِيلْ وَحَاشِيَهْ وَخَوَاشِرْ اِنْ جَوَانِ

صَمَّ جَوْنَصَبْ وَنَصَبْ دَان وَجِيتْ وَنَدَ
 وَنَبْتْ وَنَقَبْتْ وَنَبْتْ وَنَبْتْ وَنَبْتْ
 جَوْنَدِ شَارِفْ وَنَابِتْ وَنَابِتْ
 اَقِيلْ وَحَاشِيَهْ وَخَوَاشِرْ اِنْ جَوَانِ

عَيْنَانِ دَوَالِ وَحِ فُطْقَهْ نَطَاقِ كَرِ
 عِوَامِ تَنَكْ وَتَقَرِ يَارْدَمِ لِحَامِ لِكَامِ

عَيْنَانِ دَوَالِ وَحِ فُطْقَهْ نَطَاقِ كَرِ
 عِوَامِ تَنَكْ وَتَقَرِ يَارْدَمِ لِحَامِ لِكَامِ

چون غیب نکوز وین انحر کثری مرد

[illegible]

از حق تعالی و عفو و رحمتش
در آنست که هر که بگوید و در آن
که بگوید که منم از آن
در آن و منم از آن
که بگوید که منم از آن

[illegible]

والتحسين طرأ على ما ذكرناه من قوله تعالى

...

[illegible]

چو طایفه طیبه یثرب مدینه ام قری
چونکه مکه شناس صفا و مروه دو
و نه فریاد چون بیکر در لوط عیال
و نه فریاد چون بیکر در لوط عیال

فقاهاه داتش کافی پسند طمع منش
ذلیل خوار عزیز ارجمند قصد
فقاهاه داتش کافی پسند طمع منش
ذلیل خوار عزیز ارجمند قصد

حی قودوق نزع روضه مخراسان
و طریح جلجت صلح استی خصوص
حی قودوق نزع روضه مخراسان
و طریح جلجت صلح استی خصوص

سویق یثرب جیش جیش باغور
جیب طعام درشت است خولچه
سویق یثرب جیش جیش باغور
جیب طعام درشت است خولچه

فقار نای هی قوج خوب ناله کرده
سببات خواب شقر قوه لاله رو
فقار نای هی قوج خوب ناله کرده
سببات خواب شقر قوه لاله رو

سببات خواب شقر قوه لاله رو
سببات خواب شقر قوه لاله رو
سببات خواب شقر قوه لاله رو
سببات خواب شقر قوه لاله رو

در بعضی از این بیت نیز خبر رسیده
 غیور است و رشک کنوس است خدش
 آیه عارضه رشک خورشید ماه
 کرب در تقارب شود اشتباه

برین ده و دیگر الحاق میکن
 یکی هست قاشور دیگر چه فیکل

حصان است باشد خدش
 بود مهر کز شتر حجه قریل

لین خست خامست و اجر حجت
 غیر خدسان عوص است شکل

طریق و سبیل و صراط است راه
 غیر خدسان عوص است شکل

در بعضی از این بیت نیز خبر رسیده
 غیور است و رشک کنوس است خدش
 آیه عارضه رشک خورشید ماه
 کرب در تقارب شود اشتباه

در بعضی از این بیت نیز خبر رسیده

غیور است و رشک کنوس است خدش
 آیه عارضه رشک خورشید ماه

القطعة التاسعة في بحر المتقارب

کرب در تقارب شود اشتباه

ضولن فعولن فعولن فعول

بخوان خوش مر این وزن هر صبحگاه

ثمر موه حب دانه و بین گاه

طریق و سبیل و صراط است راه

غیر خدسان عوص است شکل

غیور است و رشک کنوس است خدش
 آیه عارضه رشک خورشید ماه
 کرب در تقارب شود اشتباه

در بعضی از این بیت نیز خبر رسیده
 غیور است و رشک کنوس است خدش
 آیه عارضه رشک خورشید ماه
 کرب در تقارب شود اشتباه

[illegible]

فروردین و خرداد و مرداد و شهریور و آبان و آذر و دی و بهمن و اسفند
که آن اشیاء فروردین و خرداد یعنی اول و سکون و ثبات و باقی بقا
جمع از این است و کلان یعنی کاف و لام هر دو را بطبعی گیاه است
در سر زمین

سِيَّاحَتْ بِكْشْتَنْ سِيَّاحَتْ شِنَاه

[illegible]

قصیده و حلیله طعینه ربض
 زنی از آید و کلمه طعینه از به
 و طعنه از کلمه طعنه و کلمه
 بر در و طعنه از کلمه طعنه
 به طعنه از کلمه طعنه و طعنه
 طعنه از کلمه طعنه و طعنه
 طعنه از کلمه طعنه و طعنه
 طعنه از کلمه طعنه و طعنه

قصیده حلیله طعینه ربض

زن و بعل شوهر دنیاه کلاه

القطعة العاشرة في بحر الخفيف

خوشت از بحرهاست بحر خفیف

اصل او وزن مثنوی لطیف

فاعلاتن مفاعیلن فععلن

کل شیء من الظریف ظریف

قصیده و حلیله طعینه ربض
 زنی از آید و کلمه طعینه از به
 و طعنه از کلمه طعنه و کلمه
 بر در و طعنه از کلمه طعنه
 به طعنه از کلمه طعنه و طعنه
 طعنه از کلمه طعنه و طعنه
 طعنه از کلمه طعنه و طعنه
 طعنه از کلمه طعنه و طعنه

من وعن ازل الى وحتى نا

این کو کف چون ام اویا

فی دراست علی بودم چند

نحن فائنا وانا ما

انتم وکم شما وذا این مرد

انت توانت زن ولی تنها

انتم توانست زن ولی تنها
 و کلمه توانست از کلمه توانست
 و کلمه توانست از کلمه توانست
 و کلمه توانست از کلمه توانست
 و کلمه توانست از کلمه توانست
 و کلمه توانست از کلمه توانست
 و کلمه توانست از کلمه توانست
 و کلمه توانست از کلمه توانست

فی معنی در علی معنی بر کم معنی کاف
 و تخفیف بر معنی چند نحن و انا و اننا
 و انا هر چهار لفظ معنی ما است شرح

تلك المدة التي كنت فيها
مؤمرا وكونك للمم وكونك للمم
ذلك المدة التي كنت فيها
ان اردت

نیز حرف شرط که آن کجور و دکن را ترفع الم
و کون را دانست که بر حرف یعنی درگاه که و حق
یعنی کی است یعنی از آن افعی که در کون و کجاست
و حق را و حق یعنی از کون و کجاست و حق را
نشد و از حرف یعنی از کون و کجاست

انا واری دادی هرگز نطفه نمی
مهری و آن بختی مهری
باشد که بختی که در دام
بخت بختی باشد

فِي يَمِينٍ وَقَبْلُ يَمِينٍ وَبَعْدُ مَسِيرٍ

لِ مَرْوَجٍ مَّا لَنَا مَا وَ

صَهْ مَكُومَهْ مَكْنُ دَعُ وَذَرْمَانُ

كَمَوْلَانَاهُ وَهَلَمَّ بِنَا

مَذْمُودُ آذَانِ زَمَانِ مَا ذَاكَ

ثُمَّ اِنجَا وَهَهُنَا اِنجَا

[illegible][illegible][illegible]

عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 مَنْ تَوَلَّى بَيْتًا مِنْ بَيْتَاتِ الْمَدِينَةِ فَهُوَ كَمَنْ تَوَلَّى بَيْتَ اللَّهِ

و در این شعر که در این کتاب است
 و در این شعر که در این کتاب است
 و در این شعر که در این کتاب است
 و در این شعر که در این کتاب است

عَمْرٍو قَطْ هَرَكْرَ اَيْضًا نَبْرَ
 رُبْتُ وَرَبَّاءُ وَرَبَّ بَا

ذِي وَهْدِي وَهْدِي اَيْنَ ذِي
 مَرْدَاوُ ذُو سَتِ بَاهُذَا
 مَرْدُ وَصَحْنُ وَفَدُ وَعَسَفُ قَلْعُ
 طَرَفُ زَيْبَا قَبِيحُ نَارِ بَا

و در این شعر که در این کتاب است
 و در این شعر که در این کتاب است
 و در این شعر که در این کتاب است
 و در این شعر که در این کتاب است

و در این شعر که در این کتاب است
 و در این شعر که در این کتاب است
 و در این شعر که در این کتاب است
 و در این شعر که در این کتاب است

مَهْلًا اَهْسَدُ بَاشْ وَوَاهَا خُوشْ
 قَلَمًا بَقِيحِينَ قَافِ لَمْ يَشْدَدْ وَبِمِ

قَلَمًا اَنْدَكَ بَخْ نَبَا
 القطة الحادية عشر في بحر المجت

زَهْيَ بِيَايَ تَوْخُوبَانِ هَادِي دَوِ
 قَدْ جُوسِرَ تَوْعَشَاقُ رَاسْتِ عَمْرٍو

مَفَاعِلُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُ
 بَلَكْوَى مَجْتِ وَخَوْشِ خَوَانِ تَوْدِ وَفَقَامِ

و در این شعر که در این کتاب است
 و در این شعر که در این کتاب است
 و در این شعر که در این کتاب است
 و در این شعر که در این کتاب است

و اما آنچه در این کتاب است که در این کتاب است
 و اما آنچه در این کتاب است که در این کتاب است
 و اما آنچه در این کتاب است که در این کتاب است

رجا امید و گرانست سوغ حل حواز
 روائی و نصفه عدل صوت جرس

و اما آنچه در این کتاب است که در این کتاب است
 و اما آنچه در این کتاب است که در این کتاب است
 و اما آنچه در این کتاب است که در این کتاب است

حصص غایر و غور است هبل و هله
 یفاع ربوة و قل است بخده هضر

و اما آنچه در این کتاب است که در این کتاب است
 و اما آنچه در این کتاب است که در این کتاب است
 و اما آنچه در این کتاب است که در این کتاب است

و اما آنچه در این کتاب است که در این کتاب است
 و اما آنچه در این کتاب است که در این کتاب است
 و اما آنچه در این کتاب است که در این کتاب است

طعام خوردنی و فحل توبیخ ملک

ارز و بیخ مرق شور و باقلو غار

و اما آنچه در این کتاب است که در این کتاب است
 و اما آنچه در این کتاب است که در این کتاب است
 و اما آنچه در این کتاب است که در این کتاب است

قصید مغر سبیل است وار مغر
 قدید قاق سمین و فیر طویل و راز

و اما آنچه در این کتاب است که در این کتاب است
 و اما آنچه در این کتاب است که در این کتاب است
 و اما آنچه در این کتاب است که در این کتاب است

صغیر خورد جاری شوات خلت جگ
 حدید تیر من چر فسان و مقطع اکاز

صغیر خورد جاری شوات خلت جگ
 حدید تیر من چر فسان و مقطع اکاز

تکلیع است و وضو ایدست و نیت
 بنیت قبله بود کعبه چون صلوة نماز

تکلیع است و وضو ایدست و نیت
 بنیت قبله بود کعبه چون صلوة نماز

صغیر خورد جاری شوات خلت جگ
 حدید تیر من چر فسان و مقطع اکاز

عطاس عطسه عجب لاغری جدام جوده
 جبان و هناع و هیدان بیدل شخت نیاز

عطاس عطسه عجب لاغری جدام جوده
 جبان و هناع و هیدان بیدل شخت نیاز

علاویه علن جهم اشکاره بود
 ضمیر و فکر چه اندیشه سر و بخوی واز

علاویه علن جهم اشکاره بود
 ضمیر و فکر چه اندیشه سر و بخوی واز

عطاس عطسه عجب لاغری جدام جوده
 جبان و هناع و هیدان بیدل شخت نیاز

علاویه علن جهم اشکاره بود
 ضمیر و فکر چه اندیشه سر و بخوی واز

و شل غل غل آب دان شربك انبار
چو قمع و غل غل آب دان شربك انبار
بعضی آب بران در کتب ما
انباری از انبار گویند

و شل غل غل آب دان شربك انبار

چو قمع و غل غل آب دان شربك انبار

بعضی آب بران در کتب ما
انباری از انبار گویند

از این قمع از انبار گویند
بعضی آب بران در کتب ما
انباری از انبار گویند

ز نیم سندی نیز هم بدی بشم

و سبیل هم به بعله زن و بجی هم از

بعضی آب بران در کتب ما
انباری از انبار گویند

و شل غل غل آب دان شربك انبار
چو قمع و غل غل آب دان شربك انبار
بعضی آب بران در کتب ما
انباری از انبار گویند

و شل غل غل آب دان شربك انبار

چو قمع و غل غل آب دان شربك انبار

بعضی آب بران در کتب ما
انباری از انبار گویند

از این قمع از انبار گویند
بعضی آب بران در کتب ما
انباری از انبار گویند

ز نیم سندی نیز هم بدی بشم

و سبیل هم به بعله زن و بجی هم از

بعضی آب بران در کتب ما
انباری از انبار گویند

القطعة الثامنة عشر في بحر الرمل

ای قدرت سرور امان رخت ماه تمام

سازد و بجز رمل یار و کمره و مقام

فَاعِلَاتٌ فَاعِلَاتٌ فَاعِلَاتٌ فَاعِلَاتٌ

هچو بلبل بعد ازین این قطعه بر خواند و شام

قَرْمُ غَطْرِيفٍ حَلَّاحٍ سَيِّدُ رَأْسِ هَمَامٍ

مَهْرُكَ سِتْ دَسْتِ صِدِّ دَرْ شُجْرَةِ اسْمِ نَاغِصِ

دست یغی و الی و سکون بین
و ملتین و اوقات یغی و سکون
چرخ و مکان بالا و بلند است
یغی و سکون و الی و سکون
یغی و سکون و الی و سکون
یغی و سکون و الی و سکون

[illegible][illegible]

هزار و شصت و دو از دیوانه ها که در این
آتش پناه دیده اند که در میان باشند
مقتول الله جل جلاله

عَقُوهُ سَاحَتْ أَمْرًا وَقَوْلُكَ فِئْتًا فَعِلْ كَرْدَ

جَبَّ جُلُوجًا رَمَائِيَةً نَكْهَانِ سَطْحًا بِامٍ

و کونکوتی با هم

[illegible]

كون زك وريح نوى وباد وغيث وغيث

نوم خواب و مثنی وقت بعد دوری

[illegible]

و در تمام خصوص هر دو را حفظ
بعضی جمع است که از این است

...

[illegible]

اجرم در شومباره عزم قلاوین دین و عالم
و کسری را که در این زمان است

اگر کسی که در این کتاب
در باب اول از این کتاب
در باب اول از این کتاب

چون که یکشنبه است و ثلثه اربعه
هست دوشنبه سه شنبه چهارشنبه

این کتاب را
در باب اول از این کتاب
در باب اول از این کتاب

پنجشنبه و جمعه و قرین می سال دوست

بضع از سده تا بر سر مفردها و اسان و نام
قال القاضی البصیر بکبر الباء باین التکلیف و غیر
و کذا البصیر بفتح الباء و کذا و اما البصیر بفتح الباء
قطعه فی الحکم

این کتاب را
در باب اول از این کتاب
در باب اول از این کتاب

کل و همه نرم باران سلیم باران
جنه الماوی و فرمودن برین دار
القطعه الثانیة عشر فی بحر المحبت

زهی جمال تو امر و زبیر زدی و پیر

چرا خد نک تو آید بسیندیر بدیر

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

بلو محبت و آینه جمل و سر زین

مبارز و بطل و باسل و شجاع و شهنشاه
 شعیب و صبر و کثبان جواست و جانی
 غضنفر و اسد و لیث و حارث و دهل
 هزبر و قسوره و جید و است و ضعیف
 و باطل و باسل و شجاع و شهنشاه
 شعیب و صبر و کثبان جواست و جانی
 غضنفر و اسد و لیث و حارث و دهل
 هزبر و قسوره و جید و است و ضعیف

رقاد و حجت خفای سهاد بخوابی
 بدول و باذل و مانع تسخی و شبعان
 حذب چورایمه و نحوه رتبه مالاد
 چنانکه صاع و صوب و حد و دفا
 رقاد و حجت خفای سهاد بخوابی
 بدول و باذل و مانع تسخی و شبعان
 حذب چورایمه و نحوه رتبه مالاد
 چنانکه صاع و صوب و حد و دفا

عَوَجٌ كَيْ وَجُرْزِيكِيَاهُ أَمْتُ بَلَنْدِ
 عَوَجٌ كَيْ وَجُرْزِيكِيَاهُ أَمْتُ بَلَنْدِ

خَبَارِ نَرَمِ اخَاذَهُ غَدِي رُقَاعِ كَوِي
 الفطحة الرابعة عشر في عجز الفرج الاخر
 كل غنچه ز شرم دهنّت دوست

و ز کرد دهنّت دامن کل پر عطر

مفعول مفاعيلن مفاعيل فاع

اخر بهرچ است اگر ترا این فکر است

خبر از نریم و خبر از نریم
 اخاذه گرفته و اخاذ و اخاذ
 غدی و غدی و غدی و غدی
 رُقاع و رُقاع و رُقاع و رُقاع
 کوی و کوی و کوی و کوی
 عجز و عجز و عجز و عجز
 الفرج و الفرج و الفرج و الفرج
 الاخر و الاخر و الاخر و الاخر

بضم و عتب و رتب چهارم قر است
 اینها هم چیست فرجهای شرم

الفطحة الخامسة عشر في عجز الفرج
 مَرُفُجٌ بَيٌّ كَدُ يَاكُ بُوْدُنْدُ هَمِيَهْ
 بَدُّ عَايِشَهْ وَخَلْجَهْ حَمْرَمَهْ

مَرُفُجٌ بَيٌّ كَدُ يَاكُ بُوْدُنْدُ هَمِيَهْ

بَدُّ عَايِشَهْ وَخَلْجَهْ حَمْرَمَهْ

بَدُّ عَايِشَهْ وَخَلْجَهْ حَمْرَمَهْ

بَدُّ عَايِشَهْ وَخَلْجَهْ حَمْرَمَهْ

بَدُّ عَايِشَهْ وَخَلْجَهْ حَمْرَمَهْ

بَدُّ عَايِشَهْ وَخَلْجَهْ حَمْرَمَهْ

بَدُّ عَايِشَهْ وَخَلْجَهْ حَمْرَمَهْ

بَدُّ عَايِشَهْ وَخَلْجَهْ حَمْرَمَهْ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطاهرين

بَا اَمَّ جَدِيهِ حَفْصَةَ بُو دُو زَيْب

مِيهَوِيَه صَفِيَه سُو دَه اَمَّ سَلْمَه

فَرْزَنْدِ بِي قَائِم وَاَبُو اِهْم اَسْت

كَيْسَ حَيْبُ وَطَاهِر اَز سِرِّ عَظِيم اَسْت

بَا فَاطِمَه رُفِيَه اُمَّ كَلْتُو م

زَيْب شَمَّ اَز تُو اَسِرِّ تَعْلِيم اَسْت

بَعْدُ زَا بَعْدُ كُوْنِد مَهْر خَوَاهِر اَسْت اِيْمَانَه اَدَلَه اَكْثَر اَسْت

سَوَا اَز خَفَرَت اَبُو اِهْم مَرْحُوم

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطاهرين
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطاهرين

بَا فَاطِمَه رُفِيَه اُمَّ كَلْتُو م

زَيْب شَمَّ اَز تُو اَسِرِّ تَعْلِيم اَسْت

اَيُّ مَشْرِئِ شَمَائِلِ خُورَشِيدِ كُوْكَبِه

حُسْنِ رُخِ تُو رَشَكِ مَدِ جَارِ قَدَسِه

مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِيلُ فَاعِلُنْ

بَحْرُ مَضَارِعِ اَيُّ بُو دَايِ مَاهِ مَرْتَبِه

بَعْدُ زَا بَعْدُ كُوْنِد مَهْر خَوَاهِر اَسْت اِيْمَانَه اَدَلَه اَكْثَر اَسْت

سَوَا اَز خَفَرَت اَبُو اِهْم مَرْحُوم

القطعة الثامنة عشر في بحر المضارع

ثَوْبَانِ رِيَّاحُ صَالِحٍ وَمَدْعَمُ يَسَارٍ
 بَوَافِعُ وَخُمَيْرَةُ كَبِيشُهُ مَوْهَبِيهِ
 القطعة الثامنة عشر في غزل الهجاء
 اَي قَدْ تَوَدُّ رَكْبَشَ جَانِ سَرُورِ
 وَزُدَّ شَاكٍ قَدَّتْ سَرَّ حَجَلِ دُرِّ كُيْسَانِ

این نوع و با عی هرج اخرب دان
و روح انفال مدنی میدان
و زلزلت آخرب همان
اول قد سمع رعد حد حد
فتح و یس و یس و نصر و دهر حین
و برین آن که سوره تبارک

1890



القطعة الثامنة عشر في جبر المقارب

زخیرستد مصطفی هفت قلعه
خدایش بداد آبخان ملک سلا

کتابه مدوناً و شتی انکه
قبوس و نظاة و سطیم و سلاله

وهاداهل القطعة في جبر

خسین ولا فزع است اعیان فی
بقین

خدیجی مدد حاکم
خدیجی مدد حاکم

آنکه در این مقام فاعل آزار یافتند در وقت خروجهش همان گفتند که آن
مأمور از جمیع اطراف میگردد و میخوانند و میگویند که هر کس که در وقت
باز آن خورشید حضور در آنک بود

[illegible]

ناخس و ریح و کاسه و ضابط

وَأَنْ مَفْصَحَ كَرَى وَعَضَلْ شَدَّ حَاكْ

[illegible]

و اما در این کتاب که در این کتاب است

و در این کتاب که در این کتاب است

ضربان وثقیل وثاقب باز

وَأَنْ مِثْلِي كَهَ أَوْسْتِ أَصْلُهُ

عمر بن الخطاب رضي الله عنه
 في يوم الاثنين من شهر ربيع الثاني سنة ١٠٠ هـ
 في سنة ١٠٠ هـ في يوم الاثنين من شهر ربيع الثاني
 في سنة ١٠٠ هـ في يوم الاثنين من شهر ربيع الثاني

سید
وزیر
یار

ملک سلاطین
انکه
و سلاطین
که در میان ایشان
نیز در میان
ای
که
ایمان و تضرع و توبه
تقدیر کنی بدست
در پیشگاه آن که آن
نزد خداوند در قدرت

[illegible][illegible]

سید احمد علی

بدان ای کل که رویت چون بهار است

مَفَاعِيلُ مَفَاعِيلُ فَوَلَّ

شهر روم این هفت و چهار است

دو کثرین و دو کانون و کس آنکه
شباط اذار و نسیان ایاد است

در سال پنجم
در سال ششم
در سال هفتم
در سال هشتم
در سال نهم
در سال دهم
در سال یازدهم
در سال دوازدهم
در سال سیزدهم
در سال چهاردهم
در سال پانزدهم
در سال شانزدهم
در سال هجدهم
در سال نوزدهم
در سال بیستم

هر چه را که تمام ارکان همینجا می آید از او مکتد
بگیر این وزن را یاد و بکن این قطعه را از بد

خزیران و تموز و آب و ایلول
نکته دارش که از من یادگار است

القطعة الأثني والعشرين في جبر الخفيف

هفت کوکب که هست غا که را
گاه از ایشان نظام و گاه خلل

القطعة الثالثة والعشرين في جبر المتقارب

کواکب میر و میری غامید میدان
چو خود بشید خبر امم بچشم گویان

این قطعه در بیان جبر
کوکب میر و میری غامید میدان
چو خود بشید خبر امم بچشم گویان
از جبر متقارب است
در چندین شماره و در وقت
شماره اولی مثل باشد

القطعة الرابعة والعشرين في جبر الخفيف

خود بخوراسی و دوسوی و یکسبت

حمل خود شیر با کس و پیش

این قطعه در بیان زمان بودن آفتاب است در هر یکی از کوکب
خوراسی آفتاب در جبر و دوسوی و یکسبت از کمال و نور
و شیر که بهشت و پس از آنکه شمس است و پیش از آنکه
سر و گرد و در هر یک از کوکب که در جبر و دوسوی و یکسبت
از قوس و بعد از یکسبت و در هر یک از کوکب

قرآنت و عطارد و زهره

شمس و مریخ و مشتری و زحل

دَلُّوْ مِيزَانُ حَوْتِ عَقْرَبِ سَيِّ
بَيْتُ نَهْ قَوْسِ جَدَى بِنَكَمِ بَيْتِ

القطعة الخامسة والعشرين في بحر الرمل

لَاؤَلَا لَبَّ لَاؤَلَا لَشَّ مَكَتْ
كَلَّ كَطَّ وَكَطَّ لَلَّ شُهُوْ كَوْتِ اسْتْ

که این حرف اول است و در این بیت
نیز کوه است و این بیت هم
در این حرف اول است و در این بیت
نیز کوه است و این بیت هم

القطعة السادسة والعشرين في بحر الخفيف

هَرَجِهْ أَوَاهُ شُدْمَشَقِ كُنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

يَجْ دِيكْرُ قَرَايِ بَوَسْرِ آنْ

[illegible]

— ۱۱۱ —

۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲
 ۴۸۳
 ۴۸۴
 ۴۸۵
 ۴۸۶
 ۴۸۷
 ۴۸۸
 ۴۸۹
 ۴۹۰
 ۴۹۱
 ۴۹۲
 ۴۹۳
 ۴۹۴
 ۴۹۵
 ۴۹۶
 ۴۹۷
 ۴۹۸
 ۴۹۹
 ۵۰۰
 ۵۰۱
 ۵۰۲
 ۵۰۳
 ۵۰۴
 ۵۰۵
 ۵۰۶
 ۵۰۷
 ۵۰۸
 ۵۰۹
 ۵۱۰
 ۵۱۱
 ۵۱۲
 ۵۱۳
 ۵۱۴
 ۵۱۵
 ۵۱۶
 ۵۱۷
 ۵۱۸
 ۵۱۹
 ۵۲۰
 ۵۲۱

هذه نسخة الكتاب المذكور
تحت تصرفكم ولقد تم
تدوينه في شهر ربيع الأول
سنة ١٢٨٥

五

جملة ما آت دریاك بقیت منظوم

واما في هذا الموضع فانه قد وجد في بعض النسخ
 من هذا الكتاب ما يشبه ما وجد في كتاب
 الفقه في الدين من حيث هو من غير ان
 يكون في كتاب الفقه في الدين من حيث هو

مَصْدَرُ وَجْهِهِ تَحْمِيْلُ اسْتِفْهَامِ

[illegible]

الفقه الثانیة والثلاثون فی جمل الهمز

هت حروف است آنکه آند فارسی ناید

ثانیاً موزی نباشی اندرین معنی

دال خوان او را در بعضی حال خوانند
پیش او را در بعضی حال خوانند
یا دیگران را که در زبان فارسی
در زبان فارسی خوانند و دال خوانند
یا دیگران را که در زبان فارسی
در زبان فارسی خوانند و دال خوانند
یا دیگران را که در زبان فارسی
در زبان فارسی خوانند و دال خوانند

بشواکنون تا کدام است آن حروف

ثا و جا و صا و ضا و ط و ظا و عین

الفقه الثانیة والثلاثون فی جمل الهمز

موش و یقر و یکنک و خرکوش شمار

زین چارچه بگذری هنک آید و ما

و انگاه ماسب و کوسفند است حسا
حمد و نه و مع سیک خواند خرا و

و انگاه ماسب و کوسفند است حسا

حمد و نه و مع سیک خواند خرا و

استخراج کرده اند

القطعة الرابعة والثلاثون في حجر الرمل

و محرم چه گذشتی چه بود ماه صفر

دو ربیع و دو جمادی زنی یکدیگر

این ماه های ماه عرب است و عرب یک ماه را سه روز و یک ماه
 بیست و نه روز حساب میکنند و سال خورشیدی و سال قمری
 با این ترتیب است که یک روز سهصد و پنجاه و چهار روز است و هر روز
 از سال شمسی که شصت و سه سال شمسی در هر روز و هر روز
 سهصد و شصت و پنج روز و هر روز و این ربع و هر سال
 یک روز و شصت و پنج روز است

و جیست از پی شعبان و مضاعف
پس بدی القعه و زی الحجه بکنیک

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

القطعة الخامسة والثلاثون في بحر الرمل

بجہاد یدیم کہ از مشرق و باور و صلح
جملہ درستی و در قہل حق لایوت
ایں صحنہ شہادت بقول خداوند و ان شریعہ اللہ بکبر

چون حمل چون تو جوزا و سرطان و
سنبله میزان و عقرب قوس جدی بار
آتش گرم دشت خاک سرد دشت باد گرم دشت آب گرم دشت

از جمله الف زوشتن شمس و چرخ چارست مدام
 سب ز غز او چرخ زوشتن
 از سب و الی دان و سب
 و زوشتن شمس و چرخ زوشتن
 قوس ج طشت و جدی
 و لوی از زوشتن

هجو و چرخ پنجمین هجرام
 یعنی از ام که چرخ
 در زمان پنجمین

[illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible]

میرم و متقین و متبیین
و از آنکه در میان مردم و در میان
و از آنکه در میان مردم و در میان
و از آنکه در میان مردم و در میان

[illegible]

وَهُنَّ وَهَيْتَ وَوَيْتَ
ذُلٌّ وَذَلَّتْ هَوَانٌ هَوْنٌ خَوَارِي

سکر مستی و صحو هشیاری
نصرت و مظاهر تباری

کرون است عجم و ایران
لهو و سکر و شادی

عین و ظاهر تباری
عین و ظاهر تباری

نصرت و مظاهر تباری
نصرت و مظاهر تباری

سکر مستی و صحو هشیاری
سکر مستی و صحو هشیاری

ياس وجرمان قنوط نومیدی
چون نعل بطالک میکاروی

[illegible]

سوارهای و کاروانیان
نیستند

۱۳

بسیاری از کتب که در این کتابخانه است
در دسترس عموم نیستند

[illegible]

قَسَمٌ وَحَلْفَةٌ وَبَيْنٌ سَوَكُنْدُ
 زَيْنِي وَاهْلِي زَيْمَةُ زَهَارِي

صرب وجلدت وعصوه فزید
ترک اودماق وهندوی ماری
بسی زدن ران ترکا اودماق کو بند و نیران هندی ماری
اودماق برله هله وقاف ماری کسر اودماق

درد آرد فغ و کون و کون و کون
درد آرد فغ و کون و کون و کون
درد آرد فغ و کون و کون و کون

درب دفع است خرمه متر کزیت
قدف دمی است و شتم سخرای
درب دفع است خرمه متر کزیت
قدف دمی است و شتم سخرای

درب دفع است خرمه متر کزیت
قدف دمی است و شتم سخرای
درب دفع است خرمه متر کزیت
قدف دمی است و شتم سخرای

عرف خوشبوی و عرف شیکوئی
میک مشک و برآه میزای
عرف خوشبوی و عرف شیکوئی
میک مشک و برآه میزای

عرف خوشبوی و عرف شیکوئی
میک مشک و برآه میزای
عرف خوشبوی و عرف شیکوئی
میک مشک و برآه میزای

وقوف حدس شعر علم فقه فهم دانای
غما خطه انو حی حد مجون وحله
وقوف حدس شعر علم فقه فهم دانای
غما خطه انو حی حد مجون وحله

غما خطه انو حی حد مجون وحله
وقوف حدس شعر علم فقه فهم دانای
غما خطه انو حی حد مجون وحله
وقوف حدس شعر علم فقه فهم دانای

عساره سنگنه چون بوس قمر عبله و دوشی
نخائمه مکابل کبلها فیلو کبی رانی
عساره سنگنه چون بوس قمر عبله و دوشی
نخائمه مکابل کبلها فیلو کبی رانی

نخائمه مکابل کبلها فیلو کبی رانی
عساره سنگنه چون بوس قمر عبله و دوشی
نخائمه مکابل کبلها فیلو کبی رانی
عساره سنگنه چون بوس قمر عبله و دوشی

قیمی فاره نافر طاقه و قدرة توانا
زده ضغن ضغینه لحنه حله حق کینه
قیمی فاره نافر طاقه و قدرة توانا
زده ضغن ضغینه لحنه حله حق کینه

زده ضغن ضغینه لحنه حله حق کینه
قیمی فاره نافر طاقه و قدرة توانا
زده ضغن ضغینه لحنه حله حق کینه
قیمی فاره نافر طاقه و قدرة توانا

قبس بیکاره النش دان کاو لست التشل
کیان کن عطاء و نش قصبه قطع و شوی
قبس بیکاره النش دان کاو لست التشل
کیان کن عطاء و نش قصبه قطع و شوی

کیان کن عطاء و نش قصبه قطع و شوی
قبس بیکاره النش دان کاو لست التشل
کیان کن عطاء و نش قصبه قطع و شوی
قبس بیکاره النش دان کاو لست التشل

رطب خرمه و قنوان خوشه عرجون خوب
تخیل و لینه خرمه ابن جوسلای و سنج خرمه
رطب خرمه و قنوان خوشه عرجون خوب
تخیل و لینه خرمه ابن جوسلای و سنج خرمه

تخیل و لینه خرمه ابن جوسلای و سنج خرمه
رطب خرمه و قنوان خوشه عرجون خوب
تخیل و لینه خرمه ابن جوسلای و سنج خرمه
رطب خرمه و قنوان خوشه عرجون خوب

سازم بر سر این بزم
که هر که از این بزم
بگذرد از این بزم
و این بزم را بماند

سازم و گزینم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم

و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم

و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم

و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم

و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم

و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم

و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم

و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم

و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم

و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم

و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم
و گزینم و سازم

[illegible][illegible]

سبحر ضاع آن بود که هر صبح
بروز آن فعل فاعلات شاعیل
فاعلات شید چنانکه کوئی
عقرب چ مضمول
کتر دست فاعلات
حمد زهر فاعایل
شیر نیش فاعلات

৩৬

و بعد از این که در این کتاب که بعضی از
بعضی را به شکل حال بعضی را به
بعضی را در این کتاب که بعضی از
بعضی را به شکل حال بعضی را به
بعضی را در این کتاب که بعضی از
بعضی را به شکل حال بعضی را به

خضر است پشت و بطن شکم فرو و سینه

اَتَحْلُ سِيَاهُ بِلَاكٍ جَوَا حَلَّ فَرَاخٍ جِشَمِ
 اَشْهَلُ تُوْمِشِ جِشَمِ شَمَرْ جُونِ قَرَانِ جَوَا
 شَمْعِ مَوْمٍ زَيْفٍ جَهْرَجِ نَاسِرِ جِيدِ سَرِ
 شَادِرِ خُفِّ غَرَا سُوْرِ شَا اَهْوِ سَرِ

[illegible]

وَقَدْ دَسَخْتُ وَفَرَاوَعِي رَمَحَل كُورَر
 جُونِ اَتَانِ بِلَعَانِه مَادِ جَحْشٍ وَتَوَلَّى حَمْرَه
 لَيْكَ عَيْنِي سَنَك مَوْصِي ذَنْ وَحَلَقَا
 هَسْت مَطَرِي وَفَرَاتِ بَجَلِ اَيْنِه
 بَرْدِ دَرِوَن طَبَقِ تَه وَضَوْضَانِسْتِ
 دَاخِلِ دَرِوَنِ جَرِي بِلَقِ اَيْنِ

وَقَدْ دَسَخْتُ وَفَرَاوَعِي رَمَحَل كُورَر
 جُونِ اَتَانِ بِلَعَانِه مَادِ جَحْشٍ وَتَوَلَّى حَمْرَه
 لَيْكَ عَيْنِي سَنَك مَوْصِي ذَنْ وَحَلَقَا
 هَسْت مَطَرِي وَفَرَاتِ بَجَلِ اَيْنِه
 بَرْدِ دَرِوَن طَبَقِ تَه وَضَوْضَانِسْتِ
 دَاخِلِ دَرِوَنِ جَرِي بِلَقِ اَيْنِ

مَقُودِ اَسَاوَا سْتِ وَخَلَاةَ عَلَقَه تَوَرَه
 خَارِجِ بَرْدِوَنِ جَمَلِجِ وَطَلُوفِ جَمَلِه
 دَاخِلِ دَرِوَنِ طَبَقِ تَه وَضَوْضَانِسْتِ
 دَاخِلِ دَرِوَنِ جَرِي بِلَقِ اَيْنِ

مَقُودِ اَسَاوَا سْتِ وَخَلَاةَ عَلَقَه تَوَرَه
 خَارِجِ بَرْدِوَنِ جَمَلِجِ وَطَلُوفِ جَمَلِه
 دَاخِلِ دَرِوَنِ طَبَقِ تَه وَضَوْضَانِسْتِ
 دَاخِلِ دَرِوَنِ جَرِي بِلَقِ اَيْنِ

الضائع
 النسخه الطائفة والادوية

جَوْنِ كَعَلَك كَاك قَرَصِ كَلِجِه لِنَا فَلَ
 قَفْذِ جَوَا دِشْتِ سَلَفَاتِ سَنَكِ
 صَبَّ سَوْسَمَا وَضَفَعِ جَفَرِ وَدَقِ دَكِ
 اَزْدَه عَرُوشِ جَدَرِي نَقْطَه اَبَلَه

جَوْنِ كَعَلَك كَاك قَرَصِ كَلِجِه لِنَا فَلَ
 قَفْذِ جَوَا دِشْتِ سَلَفَاتِ سَنَكِ
 صَبَّ سَوْسَمَا وَضَفَعِ جَفَرِ وَدَقِ دَكِ
 اَزْدَه عَرُوشِ جَدَرِي نَقْطَه اَبَلَه

الضائع
 النسخه الطائفة والادوية



وَصَحَّحْ أَنْ يَجْعَلَ كَلِمَةً طَهَّرَ شَوْدَ عُلُقْ
 يَتَنَ أَنْكَلْ بَارَكُوْنِي يَمَادِي بِرْ قَاسِكَلَه
 مَطْبُوحْ بَحْنَه مَعْرِفَه كَلِمَه وَفَوْجُوشْ
 اَنْقِيَه دِيكْ يَابِه وَطَحْجِي يَانَسَلَه

Handwritten notes in Persian script are present in the margins of this page, providing commentary on the main text.

مَلَّاحْ كَشْتِي بَانْ وَدَقْلْ تِيرْ كَشْتِي دَانْ
 مَحْدَافْ مِلْ كَشْتِي وَمَرْدِي بُودْ خَلَه
 مَشْطَاسْتْ شَانْدَه دَلَقْ كُنْ فَيَسَاهْ خَصَا
 مَرْطْ وَكِسَاءْ كَلِمَه بُودْ اَرْعَيْنْ حِلَه

Handwritten notes in Persian script are present in the margins of this page, providing commentary on the main text.

سَطْرَاسْتْ وَزَبُورْ قَمْ وَخَطْ وَسَفَرْ جَرِي
 تَقْيِيشْ مَحْتْ كَافْتَنْ وَفَحْصْ وَمَسْئَلَه
 مَحْجَاهْ رِنْدَه بَاشَدْ وَفَقَاوْ اِسْكَنَه
 مَشْقَبْ مَشْرَكْ جِهْ بُودْ دَامْ وَفَحْ تَلَه

Handwritten notes in Persian script are present in the margins of this page, providing commentary on the main text.

مَعْيَارْ جِهْ تَوَارِي وَدَسْخْ دَانْ عَمُودْ
 شَاهِيْنْ وَفَلَسْ وَكَلَفْ جِهْ بَاشَدْ لِيلْ وَكَلَه
 اَنْكَلَه نَحْتْ وَانَاءْ بَارَدَنْ جُوطَرْ وَجَاهْ
 جَرِي دَلَهْ وَمَرْطْ خَسْتِي عَرْضْ كَالَا

Handwritten notes in Persian script are present in the margins of this page, providing commentary on the main text.

وَمَعْرَبٌ شَنَاسٌ صَحِيحٌ وَدَلِيلٌ
يَلْقَى وَقَفْسٌ وَخَرَجَ حَاسِبٌ
عَدْلٌ وَبَعْضٌ وَدَوَامٌ وَاسْتَعْدَادٌ
وَمَعْرَبٌ شَنَاسٌ صَحِيحٌ وَدَلِيلٌ
يَلْقَى وَقَفْسٌ وَخَرَجَ حَاسِبٌ
عَدْلٌ وَبَعْضٌ وَدَوَامٌ وَاسْتَعْدَادٌ

وَمَعْرَبٌ شَنَاسٌ صَحِيحٌ وَدَلِيلٌ
يَلْقَى وَقَفْسٌ وَخَرَجَ حَاسِبٌ
عَدْلٌ وَبَعْضٌ وَدَوَامٌ وَاسْتَعْدَادٌ
وَمَعْرَبٌ شَنَاسٌ صَحِيحٌ وَدَلِيلٌ
يَلْقَى وَقَفْسٌ وَخَرَجَ حَاسِبٌ
عَدْلٌ وَبَعْضٌ وَدَوَامٌ وَاسْتَعْدَادٌ

مُتَّكِفٌ جَارِيَةٌ اسْتَعْدَادٌ
مُتَّكِفٌ جَارِيَةٌ اسْتَعْدَادٌ
مُتَّكِفٌ جَارِيَةٌ اسْتَعْدَادٌ
مُتَّكِفٌ جَارِيَةٌ اسْتَعْدَادٌ
مُتَّكِفٌ جَارِيَةٌ اسْتَعْدَادٌ
مُتَّكِفٌ جَارِيَةٌ اسْتَعْدَادٌ

مُتَّكِفٌ جَارِيَةٌ اسْتَعْدَادٌ
مُتَّكِفٌ جَارِيَةٌ اسْتَعْدَادٌ
مُتَّكِفٌ جَارِيَةٌ اسْتَعْدَادٌ
مُتَّكِفٌ جَارِيَةٌ اسْتَعْدَادٌ
مُتَّكِفٌ جَارِيَةٌ اسْتَعْدَادٌ
مُتَّكِفٌ جَارِيَةٌ اسْتَعْدَادٌ

الشفقة الاحمدية والشمسة في الجحيم

و در این شعر که در این کتاب است
در این شعر که در این کتاب است

صُرُفِ شَرِّ كَثَرِ كُوهَاتِ
تُعْلَانُ رُوبَهُ تَعَالِ بِيَا

و در این شعر که در این کتاب است
و در این شعر که در این کتاب است

أَرْجُ وَطْبُ وَعَقِ بِيَا
و در این شعر که در این کتاب است

و در این شعر که در این کتاب است
و در این شعر که در این کتاب است

نَعْمَ وَخُشْ جَارِيَا وَسَبْعِ
دَدُوجَانَهُ دَشْتُ وَدَارِ مَرَا

و در این شعر که در این کتاب است
و در این شعر که در این کتاب است

مِثْلُ كَفَوَاتِ وَشِبْهَ نَدَاهِنَا
و در این شعر که در این کتاب است

و در این شعر که در این کتاب است
و در این شعر که در این کتاب است

خُنْ جِهَ كَاهُو وَسَعَرَاتِ وَشِنْ
مِنْوَلِسِنْدُ دُوقِ وَخَلْفَا

و در این شعر که در این کتاب است
و در این شعر که در این کتاب است

مُورِدَاسِ وَتُرُوشِدَانِ حَمَاضِ
حَلَبَةِ شَمَلِيدِ وَهَسْتِ زَابِ كَلَامِ

و در این شعر که در این کتاب است
و در این شعر که در این کتاب است

فِي وَبِلَاسِ طَلَعِ بَاتَرْتِيبِ
خُوشِ غُورِ شَكُوفِ خُرمَا

و در این شعر که در این کتاب است
و در این شعر که در این کتاب است

نَاسُ وَانِسُ وَانَاسُ أَدِمِيَانِ
مَدُومَادِ زَادِمِ وَخَوَا

دعوه خواندن در طعام و دعوه خواندن در غیر طعام
 سبت روز سبت است و سبت آخری است
 سقط عجمه سقط آن که از آن نام
 قسط جور و قسط عدل و قسط نام دارد
 حرمه باشد از زمین طحا و سبک است
 صره جمعی از دندان و صره سینه است
 قره دان آنست که سره و قره سرها
 مره یکبار است و مره قوت است
 شرب باشد بخلی که در آب بود
 حرف از حرف است و حرف از حرف

دان رفاق آنست که همان سبک باشد
 شکل مثل و شبیه باشد شکل
 غلخانه غل خانه و غل در خانه
 مال جانی که بکند و غل اسم پسر است
 صل بود و صل بود و صل بود
 بجز اهل و لان و طلاع و کله او
 مقدم بر و لان و لان و لان
 شد جلا رفق و جلا رفق
 دان کله و لان و لان و لان
 دان قرائت و دان قرائت

آینه سبک است و آینه سبک است
 قند یک قند که در آب است
 له القی و له القی
 عرف نبوی و عرف نبوی
 جاریه کف و جاریه کف
 جبهه سبک است و جبهه سبک است
 جبهه سبک است و جبهه سبک است
 رقی بود کاف و رقی بود کاف
 وید باشد وید باشد
 عرض کف و عرض کف

عرف و عرف و عرف و عرف
 لشوار و لشوار و لشوار و لشوار
 جله است و جله است
 بالی و بالی و بالی و بالی
 در نماز و در نماز
 سوق و سوق و سوق و سوق
 آینه سبک است و آینه سبک است
 عقد سبک است و عقد سبک است
 دان طوی و دان طوی
 آب سبک است و آب سبک است

شمر بخت و بخت خاندان روح جان و جان
 غم ما ما آب و نون ماهی و ماهی
 هست و مان و مان و مان و مان
 خایه و رایت علم دان و علم باشد نشان
 آخر ال و ال اهل و ال اهل و ال اهل
 کرم دان و دان و دان و دان و دان
 سبزه هفت و هفت و هفت و هفت و هفت
 کوبان و بان و بان و بان و بان
 بر و بر و بر و بر و بر و بر و بر
 عرس و عرس و عرس و عرس و عرس
 فاجعه و فاجعه و فاجعه و فاجعه و فاجعه
 مرغ و مرغ و مرغ و مرغ و مرغ
 حرب و حرب و حرب و حرب و حرب

زلم جور و جور و جور و جور و جور
 راست از قدس و قدس و قدس و قدس و قدس
 شط شامنه شامنه و شامنه و شامنه و شامنه
 تار تار و تار و تار و تار و تار
 عود جور و جور و جور و جور و جور
 حرف طای و طای و طای و طای و طای
 عرق و عرق و عرق و عرق و عرق
 کس و کس و کس و کس و کس
 هست و هست و هست و هست و هست
 او بود و او بود و او بود و او بود و او بود
 هست و هست و هست و هست و هست

ایضا فی الشری

ملک کتب و ملک شاه و ملک شاه
 باد و باد و باد و باد و باد
 هر و هر و هر و هر و هر
 تحمل و تحمل و تحمل و تحمل و تحمل

قطعه فی بحر الغریب والشریب

غالیه و غالیه و غالیه و غالیه و غالیه
 خایه و خایه و خایه و خایه و خایه
 جاد و جاد و جاد و جاد و جاد
 مکره و مکره و مکره و مکره و مکره
 سبزه و سبزه و سبزه و سبزه و سبزه

این چنین نظم بایستی و بایستی و بایستی
 قطعه فی بحر الغریب
 قطعه از مشک بن عجیب
 قایل و قایل و قایل و قایل و قایل
 استین و استین و استین و استین و استین
 غار و غار و غار و غار و غار
 زخم و زخم و زخم و زخم و زخم
 قطب و قطب و قطب و قطب و قطب
 هست و هست و هست و هست و هست
 خراب و خراب و خراب و خراب و خراب

مَعْرِتِ اَمْرِ هِیْ وَ مَحَلِّ خُلَای
مَغْفِرَتِ اَکَا فِی وَ غَا مِ جَمَان
اَوْ شَکْ اَنَّهُ یَفْعَلُ رَیْدَ کَذَا
تَوَدُّ بُوْد اَنکَرِ یَدِ اِنجَمَان
مَرْتَبِ جَا مَالِجِ وَ مَمْلُوحِ سُوْد
طَاوِرِ تَوَخُّفِ اَمِلِ دَهَان
شَارِقِ رُخْسَدِ قَسَمِ اَنفَا
هَامِ حَیْرَانِ مَلَنَه کَلَان
قطعه در ازل
کَلَامِ قَرْمَا یَمِدَه اَمَرِ کَار
بَاسِ بَانِ خَاوِسِ اَمِیْنِ دَانِ اَسُوْد
اِفْتِتَاحِ اَنَارِ وَ اِنجَامِ اَنهَا
عَا هَتِ اَفْتِ سَلَامِ اَبَرِ سُوْمَا
اِرْبِ حَلِجَتِ اَخِ وَ اَرَدِ غَا مِ
اِلْ خُلَا صَا حَبِّ خُلَاوَدِ سَتِ وِیَا
اَحْتِ خَاوَرِ اَمِ حِمِ مَادِ زَا لِ خَا
اَلْتِ وَ اَسْبَابِ دَا اَمِلِ اَن سَاغ
دَارِ خَا نَمِ حَا قَمَلِ کَانِ رَقَمَانِ اَنَار

قسم المسحوق

ای

ای روش از کز خط ختم برآید
ای حیات آملی تو جان داده بر تو در
مستعمل مستعمل مستعمل
این قطعه در بحر انوشت به قصه آن
خوب آمدن لایق گران غایب زان
داخل درون نهادن خارج برود
فلک شعی منقذ خادم در جبهه
خالی می بالید زنی که هر عالم بها
تختی تعبای از جنت طلب عالت
کلفت کرب شادی بر خرم و طرب سا
سزای و دگر ناکین رخ اله کن
لاغر تنی عالی در ترازوی خواران
آتم شما فاله این درون سما عیان
کرده کما انجیر بین مسکین کلام زبا
قطعه از مسجع و بحر اخراج
فهی غایب چینه بجان گاه غایب مع
بر می آید بر راه کن لایق عیان
صنی ماور که جا بر روی قادح نامه
هی با هر نام خایم علی ظاهر می نماید
سزای شریف شریفی که بر روی
عج کتب می نویسد که کتب بر روی

قسم المسحوق

ای

عَنَّا قَوْلُكَ وَكَأَنَّكَ تَأْتِيهِ شَانِه
دَوَادِ مَصْبُورِيْنَ زَيْنَدِ رِيْزِ وَكَأَنَّ
فَرَحِ حَبِيبِ بُدُلَاةَ سَنَارِ لَقَدْ حَرَّبَ
أَصْلَ بَدُوْةَ عِلَاةَ سِيْدَانِ حَوَالِيْ مِصْرَ كَرَامِ
قَلْعَةُ فَجَّالِ بَلِ مَصْرَ الدَّخَالِ قَلْبِ الْأَوَّلِ
لَعَبُ وَبَرِّ مَلِكٍ وَجَنِّ مَعْلَقِ وَنَجِّ
فَرَحِ مَلِكِ وَنَجِّ مَعْلَقِ وَنَجِّ
جَمْعُ فَرَحِ وَنَجِّ مَعْلَقِ وَنَجِّ
عَبْدُ حَبِيبِ وَنَجِّ مَعْلَقِ وَنَجِّ
رَهْنُ وَنَجِّ مَعْلَقِ وَنَجِّ
فَرَحُ وَنَجِّ مَعْلَقِ وَنَجِّ
رَأْيُ وَنَجِّ مَعْلَقِ وَنَجِّ

3

وَبِنَا كَلَوْرِ سِيَاةَ اسْتِ وَمَلَا حِي دَانِسِيَدَا
چُون غِيْبَرِ اِيْخِيْلَا اِيْخَاوَلُو وُوقَانَا نَادَا
قَمَرِ دِيْشِ دِيْشِ دِيْشِ دِيْشِ دِيْشِ دِيْشِ دِيْشِ
قَرَوْتَهَا عَاوَرِ وُغَايِ حَسَنَسُو دِيْشِ
فَايِدِه فَايِدِه دَاوَن سُوَالِ پَرِسِيَدَا
مُجَاوِدِه رَحْمَتِ وُجَاوِرِ بَايِشِ
حَقْلِي اسْتِ دَوَلِي مَقْبَعِي بُودِي دِيْشِ
وَجِه دِيْشِ شَانِ اسْتِ جِه دِيْشِ نِيْلِي
عِظَمِ بُرُو وُعِظَمِ اسْتَوَانِ وُعِظَمِ اَنَامِ
قِطَا دِيْشِ مَهْدَا اسْتِ مَهْدَا عَوَاوَرِ
عَرِيْشِ جِه دَوَلُو وُشَرِ خُوْرِيْدِيْدَا
بَادَسْتِ دُخَا رَاغَا فَاغِي

في نجر الخرج

۷۲ فصل
۷۳ گویا

دَوَّخَر دَرِخْت وَغَضَبُ طَبِيبِ ^{شایسته}
 فَاَنْدَمَرَحَ وَنَمَرَحَ وَنَمَرَحَ وَنَمَرَحَ
 اِي بَعَثَانِ دَشَقِنِ جَانِ ^{قطعه در وصف}
 شَبُوه دُوسْتِ نَبِيَدَانِ
 فَاَعْلَانِ مَقَاعِلِنِ مَعْلَانِ
 خَوَانِ نُوْمَرِ خَفِيفِ نَبِيَدَانِ
 صَعَبِ دُشَوَارِ دُشَانِ
 مَحَلِ وَخَطَايَتِ وَخِصْبِ اَنَدَانِ
 جَنَرِ نِ شَدَقِ كُوشِ دَكْتِ
 دَانِ جَبِيْنِ نَبِيَهْ زِيْبَانِ
 صَيْفِ يَكِ كُوشِ صَيْفِ نَابِيَانِ
 صَيْفِ مَهْمَانِ ضِيَاةِ مَهْمَانِ
 عَدَدَانِ نَبِيَكِي وَعِلَدِ رَنَجِ
 چُونِ رَهْمَتِ دَعَتِ نِ اَسَانِ
 رَاكْتِ وَنَبِيَكِي اَسَانِ
 اَزِ عَاجِ وَغَلَقِ نَبِيَدَانِ
 عِيَالِشِ اَنْتِ وَغُورِ كُوشِ
 هَدِي وَخِيَهْ اَنْتِ فَرِيَدَانِ
 بُوْدِ سَهْمَانِ بُوْدِ نَكْرِي
 وَحَلِ كَلِ مَطْلُكْتِ بَارَانِ
 دَانِ

دَانِي وَكَلِي وَدَكِي زِيْبَكِ
 زِيْبِنِ قَهْمِ وَغَبَاةِ نَادَانِ
 اَنْتِ جَرِ جَنَاحِ دَكِ كَنَاهِ
 خَاطِي وَنَجْمِ مَسْتِ چُونِ جَانِ
 نَبِيَهْ مَرَحَرِ نَبِيَهْ كَانِ
 نَدَبِ خَوَانِدَانِ نَدَبِ نَبِيَدَانِ
 اِي صَمِ دَكِي نَادَانِ
 عَاشِقِ نَبِيَاةِ زِيْبِ نَبِيَدَانِ
 مَفْتَحِ مَفْتَحِ اَعْلَانِ
 مَفْرَحِ اَنْجَلِ جُورِ اَسْتِ اِي
 زِيْلِ بُوْدِ دَامِ وَرَدِ اَسْتِ
 قُوهِ شَجَابِ فَنَكِ نُوْسْتِ
 طَمَحِ خُوشِ خَلَبِ چَنَكَالِ مَرَحِ
 رَقَرِ بُوِيَجِيَهْ عَصْنِ جِيَتِ چِي
 لِيَدِ مَدَانِ نَبِيَهْ وَجِيَهْ هَسْتِ
 بَاَدَمِ وَبَالِيَكِ وَنَجْمِ زِيْبِ
 حَلِ جَرِ بُوْدِ سَرِ كَرِ حَلِ اَسْتِ
 صَرَبِ زِيْدِ دَانِ وَنَبِيَهْ اَكْتِ
 غَمَزِ نُوْدِ بَرِ وَجِيَهْ وَكَلِ
 غَمَزِ نَادَانِ وَطَبِيبِ دُورِ اِي

جَوَفِ دَرُوَكْتِ وَنَبِيَهْ اَسْمَانِ ^{قطعه در وصف}
 وَطَبِيبِ اَسْمَانِ سَاهِمِ دُورِ
 اِي خِيَهْ دَهَانِ لَالِ رَحَارِ
 دِلِ كَلِ وَنَبِيَهْ نَبِيَدَانِ
 مَقُولِ مَقَاعِلِنِ مَقَاعِلِ
 اَزِ نَجْمِ مَرَحِ كَرِ بُوْدِ اَرِ
 جَرِيَتِ مَنَاجِ سَوِي بَارَانِ
 عِيَالِشِ زِيْبِ وَنَبِيَهْ خَرِيَدَانِ
 جَلَبَانِ وَرَدِ مَطْرِ جَادِ
 نَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 مَعْلَانِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 نَكْتِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 اَقَمَرِ سَبَكِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 نَقَدِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 عَقَرِ اَسْتِ قَادِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 نَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 اِقْطَاعِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 مَمْلُوكِ دَهِي زِيْبِ سَالِ
 طَبِيبِ خُوشِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ

سِرِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 رَاوِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 نَقَدِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 رَانِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 رَاوِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 رَاوِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 اَنْفِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 رَاوِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 عَرَشِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 سَقْفِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 نَبْتِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 رَسَدِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 رُوْمُونِ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 نَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 نَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 نَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 نَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ
 نَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ وَنَبِيَهْ

تجسس التام في الغائب

جذب وكره وغم وفتح وفتح وفتح
فعلوا وكرم جزايات وجود وكره
سرج وخلق وكرم وفتح وفتح
زينة وناي وكره وفتح وفتح
عقب وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
زاد وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
برج وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
صعب وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح

تجسس التام في الغائب

يوم وكرم وكرم وفتح وفتح وفتح
قبل وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
خلق وخلق وخلق وخلق وخلق وخلق
تبر وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
روح وروح وروح وروح وروح وروح
شعر وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
ظهر وظهر وظهر وظهر وظهر وظهر
بين وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح

تجسس التام في الغائب

قوم وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
صيد وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
حرب وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
صعب وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
جمل وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
عقب وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
فهم وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
قوم

في لغات العرب

ثاب وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
شاه وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
كوس وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
كرك وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
بار وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
برو وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
مهر وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح

في الفاظ المشتق من العرب

زجبل وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
جوهر وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
عبر وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
كاس وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
سيف وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
سيف وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح

في لغات العرب

زنامي رسول خلد وفتح وفتح
نبي وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
بشير وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
خضرت وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
مصاب وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
فرمان وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
فوق وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
دخان وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
حلي وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
فصل وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح

في الفاظ المترادفة

ترب وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
كلم وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
مفهم وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
جبل وفتح وفتح وفتح وفتح وفتح
قوم

فجر القادرب

جَمَدِ اسْتَوْجِبُ وَيَجِ اسْتَوْجِبُ رَمَقِ بَاقِي جَانِ كَيْفَتِ سِرِّتِ
 حَمِيمِ ابْ كَرَمِ اسْتَوْجِبُ دُرْدِ لُطْفِ دُرُوعِ خُلْدِ وَجَنَّتِ هَيْتِ
 مُنْقَسِ وَصَنَدِ اَفْتَابِ جَوْنِ اسْتَوْجِبُ وَكَيْفِ كَلَّتِ
 جَمَادِ اَنْجَرِ نَقَرِ اَيْدِ مَرَعِ شَاخِ نَبَاتِ اَنْجَرِ مَرِيدِ رَنَعِ كَلَّتِ
 مُشِيدِ بَنَائِ بَرَا فَاشْتَبِهَ خَسْبِ جُوبِ وَطِينِ كُلِ بُوْدِ اَنْشَبِ
 قَلَدِ وَفَنَدِ سَرَبُودِ هَرْدِ بَلَدِ وَبَلَدِ فَرَجِ اَبْرُودِ
 نَاطِرِ وَجَنَّةِ حَمْدِ هَدِيدِ شَعْرِ مَوِي صَفِيرِ دَانِ كَيْسِ
 مَنِيكِ عَطْفِ دُرْدِ سَامِعِ وَجَرِ جُونِ مَرَعِ وَجَنَّتِ رُو
 كَلَكَلِ يَلْبِ جَوْنِ اَمْدِ صَدْرِ سِيرِ بَالِ دِلِ عَصْدِ بَارُو
 وَرْدِ اَمْدِ پَنَاهِ وَرْدِ كَنَاهِ اَزْ رِيْشِ اسْتَوْجِبُ جَانِحِ هَلَاوِ

مراغه

صَاعِدِ مَرَقِ اسْتَوْجِبُ بَامَا مَرَقِ اَرِشِ دَارِ كُودِ اَنُو
 بَنِيَهْ تَرْكِبِ خُلْدِ اَمِينِشِ دِيدِنِ وَدِينِ وَدَابِ عَادِشِ
 رَاقِ اَمُونِ كِرِ وَصِيْبِ بَرَشِكِ دَامِجِدِ دَرْدِ اَمْدِ دَوَادِ اَرُو
 قُحِ زَشْتِ وَخَوِي رُسُوْشِ حَسْنِ خَوِي بُودِ حَسْنِ نِيكُو
 فَاهِرِ مَرُوْدِ اسْتَوْجِبُ نَامِيَهْ مَرُوْدِ قَصَبِ خَرْمَادِ خَرْمِ شَقَالُو
 حَبِرِ حَمِ حَبِرِ دُرْدِ حَبِرِ جَبِ جَبِ حَبِرِ جَاهِ اسْتَوْجِبُ وَبَلَدِ حَارُو
 بُوْدِ مَرَقِ مَقَصَّتِ وَصِيْدِ اَنُو دِيكِ سَكِينِ وَجَرِ اسْتَوْجِبُ
 كُودِ شَهْرِ حَكَلِ بَاشْدِ كُودِ سُوْرِ بَارُو وَجَرِ مَرِ بَارُو
 وَرْدِ مَحْدِ عِلْمِ مَرْدِ عَقْلِ اَسْمِ عِلْمِ مَرْدِ عَقْلِ اَسْمِ عِلْمِ مَرْدِ عَقْلِ اَسْمِ
 شَامِ خَالِ وَجَنَّتِ اَرْجِلِ اَبْرُودِ قَبَصِ مَرَقِ كَلَّتِ هَرِشِ عَرِشِ

فجر المل

قَرِ مَرِ وَجَرِ اَوْجُوْتِ مَاهِ كَرِ مَرِ طَرِ اَبِ وَصِيْبِ خَالِ قَلِ مَرِ وَجَرِ مَرِ
 عَدِ مَرِ مَرِ دُرْدِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ
 طَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ Mَرِ
 بَلِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ Mَرِ مَرِ Mَرِ
 حَرِ مَرِ مَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ
 اَوَّلِ صِيْفِ وَخَرِشِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ
 مَرِ مَرِ مَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ
 جَدِ مَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ
 مَرِ مَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ
 عِيَهْ جَاسُوْسِ وَكَلِيَهْ بَشَرِ وَرِشِ اَكِيَتِ اَشْتِ سَوَارِ وَهَرِشِ اسْتَوْجِبُ

وین

حَرِ اسْتَوْجِبُ وَجَرِ سَوَارِ حَرِ اسْتَوْجِبُ حَرِ اسْتَوْجِبُ
 عَدِ اسْتَوْجِبُ دُرْدِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ
 اَوَّلِ اَكِيَتِ كِي سَعَادَتِ بَاشْدِ اَبْرُودِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ
 مَقْعُوْلِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ مَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ
 اِسْعَافِ بَرِ اَزْدِ حَاجِ بَاشْدِ بَرِ اَزْدِ حَاجِ بَاشْدِ
 مَالِ مَرِ مَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ
 عَنَابِ اسْتَوْجِبُ حَمْدِ وَوَلَا كَلَّتِ نَارِ سَرِ بَرِ اسْتَوْجِبُ
 كِيَرِ دَانِ بَرِ مَرِ مَرِ مَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ
 حَرِ اسْتَوْجِبُ اَهْنِ بَرِ اسْتَوْجِبُ حَرِ اسْتَوْجِبُ
 حَصَافَتِ خَرْدِ مَرِ مَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ Mَرِ

فجر الباعی

فجر القادرب

بدست نیر و فراع است کز ^{خو می کمال بیانه و باع با د}
 ای پرویت دیدم مایه و این را باز ^{فجر اول}
 فاعلان فاعلان فاعلان فاعلان ^{خوان بود و بحر و ممل و بر طعم با صو}
 اذن کوش اذن دستور اذن بانک ^{فماز}
 فقر خالی رفتی فقره و یوسف ^{عور و عایط جای پیش و امت با د}
 فاسد و عین غیظه جای ^{دب و خوش و غلب و خیر و دوا}
 هدا سوزان بلند و سهیل باشد کام ^{ضام و سهیل و سحر و است با د}
 غم دل بر کار است خرم هشیاری ^{کوش است و شیب و خوش و شیب}
 زهی بر تو نخل قد کشیده ^{فجر الهج}
 مفاعیلن مفاعیلن مفعول ^{هر ج این بحر دان ای نور دیده}
 می

صی کو بود بود بالغ رسیده ^{چرا اقل طار دان سبکست دمیده}
 بقا یا بندگی ابقاست از دم ^{آین ارام دل ساد رسیده}
 جلا او را کی فرقت جلدی ^{مقیم و مطمئن است ارمیده}
 زویر دنج و بوس شد خنکی ^{روح غم مومن خنک رسیده}
 تجاد و تجدد و تجدد اصل مردم ^{بجیه خوی و بحول افریده}
 ای رخت ز افتاب برده کرد ^{خلقه در کوش ابرویت میرود}
 فاعلان مفاعیلن فعلن ^{وزن بحر خفیف خوب شنو}
 زرع کشت حصا و حصدا ^{خطه است و شعر کندم و جو}
 قرض دام و قرض شعر بود ^{نخله دعوی و ندب چو دهن کرد}
 ذروه بالا حصین دام کرده ^{نحوه جانی بلند و غایره کرد}

تخت و قمر است ماه را در شب ^{چو شمع افتاب را بر تو}
 دهر و دهر و دان عین کهن ^{خون طری و جدید تازه و نو}
 زهی ز قمر قدت سر و سر ^{نکاه شوخ و بوبره دل از سر و نو}
 مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن ^{مخوان تو بخت این بحر دان}
 سبکست روی وین و ملت املاش ^{بعا د دوری من بعد قبل ازین}
 جوید خانه و عدم و خصا ^{خلیل و عایل و عافی و معفی}
 جنب جو طریخ و عرب ^{رفیق یا در و قریب و حیم و آری}
 رضا لب دهن دان برلق ^{خراست کشم و حمر خیر بر طراش}
 مجده دهره نال و سینه ^{قیه است جو جو است و مینج}
 ای جمال تو ماه تابیده ^{فجر الخفیف}
 خال روی تو مردم دیده ^{فاعلان}

فاعلان مفاعیلن فعلن ^{هست بحر خفیف بکریده}
 حبه و مصطفی است بکریده ^{مرتعی و دخی پسندیده}
 رحم بخشدن و رحم خویشی ^{رحم را ندان بجم نفریده}
 فعلن بکره دمقص آریتم ^{عین و مشغوش بشم و اچیده}
 بدن خود است و عطر و لحن ^{این ای ز طعم کردیده}
 بصارت و بصیر بینائی ^{حدقه چون سیاهی دیده}
 صرف خرج است و نقد بکریده ^{ملقط چون لقیط بر جیده}
 هر که در بندگی تمام بود ^{ذلف هند و ت و اعلام بود}
 فاعلان مفاعیلن فعلن ^{وزن بحر خفیف تمام بود}
 شوی مجاز است این نام بود ^{ذات هستی مرام کام بود}

چشم و ابو که و دوات زده
عین و عین قاف و فون و لام بود

آب چرب آب است باب دریا^{شد}
والده باز ام چرم نام بود

عدوه و بکره با مذار و شفق
سرخ و غروب وقت شام بود

بهر صفا است و غروب سپهر سقف
سده درگاه سطح نام بود

قصه آفران است واحد و ثمر
چون حدیث و قصص کلام بود

تیران آفتاب و ماه هلال
میر تو بدر نام بود

آه به باشد عتاد ذات الال
سایح اسب فراخ کام بود

خکوه کام و خطبه ضیق و آب
دگر خوار دلور نام بود

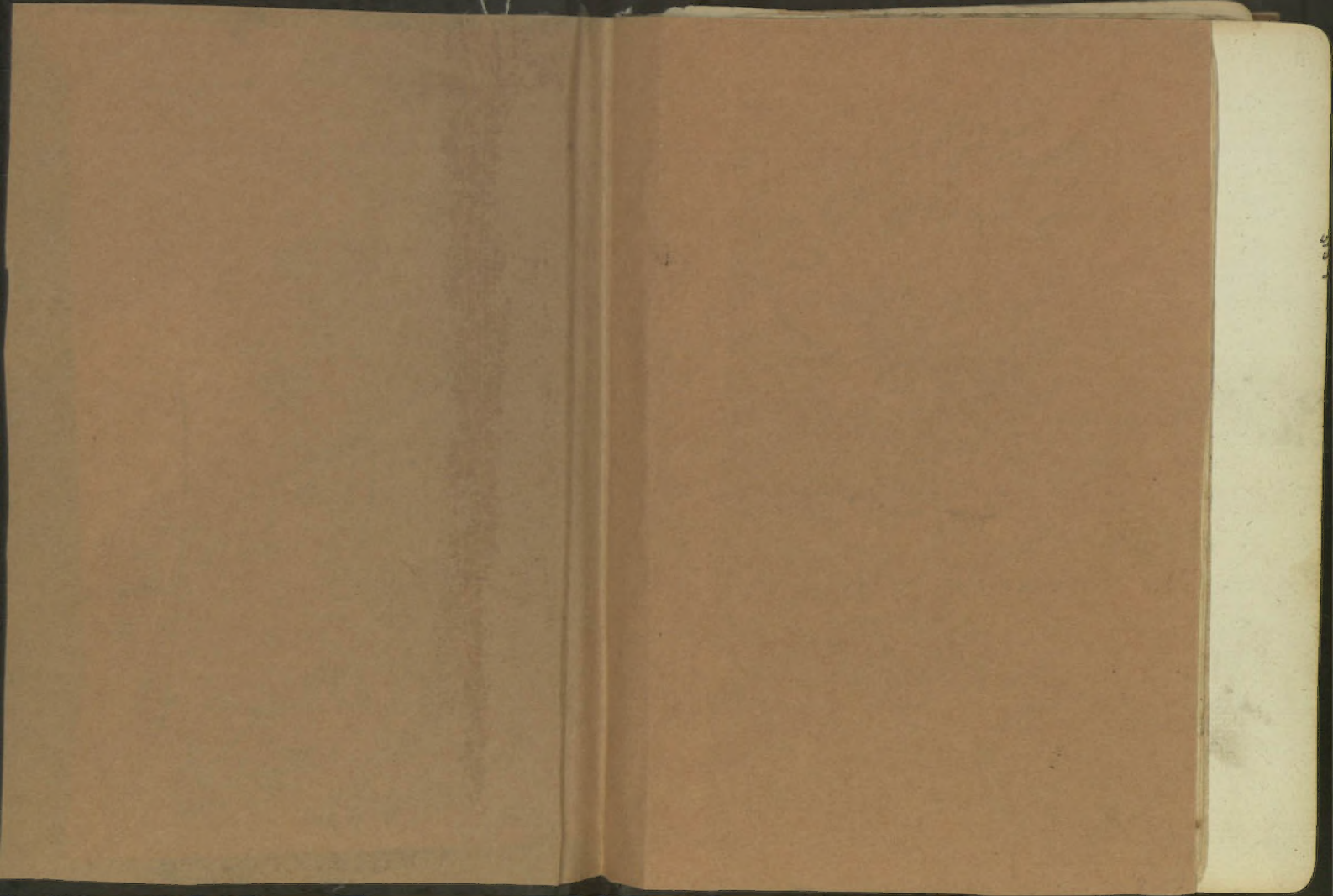
آنکه دارد زبان چون شمشیر
در مصاف سخن حرام بود

هفت شمشیر و سیر و سیر زده
باسیر نیزه داشت پیغمبر صلاح

قَدْ عَلِمَ الْعَالَمُ أَنَّ
 بَارِكْتَ بِرَسُولِكَ أَهْلَكَ
 بِبَيْتِ بَرٍّ بَابِيتِ بَعْدَ بَدْوٍ
 جِهَارِ دَاشْتِ بِهَمِّ كُنْزِ أَزْوَاجِ
 جَنكِ مَهْوَرِ سَيِّدِ نَقْلَيْنِ
 كَلَامِ خَلِيلِ دَهْ آمِدِ
 قَسْرِ ثَارِبِ سَوَالِكَ اسْتِثْنَانِ
 دَجْدِ حَلَقِ غَايَةِ تَقَفِ بَغْلِ
 سُوْرَهَائِ كِهْ آيَةِ مَجْدِ هِستِ
 اَوَّلِ اَعْرَافِ وَرَعْدِ وَخَلِ اَمْرِ
 نَمَلِ اَلِهْ وَحَمِّ هِستِ
 شَانِغِي رَا حِجْدِهْ اَحْرَجِ

[illegible]

جَدِيدِ سَيِّدِي سُبْحَتِهِمْ قَسَّ اِيْتَانِ تَرَاوَسَتْ حُصُونُ اَبْنِ اِيْطَا هَافِي دَفْلَهْ
 اَللّهُ رَزَقَهُ رَحْمَةً وَخِيَا طَا كُنْتَ كَرِيْمًا رَافِي اَفْوَايَ نَارِي اَبْنِ رَعَايَةِ هَمِيْ اِيْ
 زَهِي رُوِي نُوْرُ سَيِّدِي مُهْرُ خَاوَدِ **قطعه في فجر الحج** دِهَانَتْ مُهْرُ كَرْدِه سَيِّدِي شَكْرُ
 مَقَاعِيْلُهُ مَقَاعِيْلُنْ قُوْنُ هَمِيْجِ اَبْنِ حَجْرِ دَاهِ اِيْ كَانِ كَرْمُ
 فَنَافِيْشِي رَا سَا حَتِّ مَيَا شُ جُفَا حَ الْبَيْتِ بَاشَدْ خَا نِهْ رَا دُو
 حُصَامِ الدِّيْنِ شَا عَرَفَتْ مَلَاهِرِ زَهِي نَاوَرُ رُحْنِ اَللّهِ اَكْبَرُ
 وَفَعِ الْفَرَنْجُ مِنْ كِتَابَةِ هَذَا الْكِتَابِ الْمُسَوِّي بِصَابِ
 وَلَمَّا هَافَا يَوْمَ الْاَيَّامِ نَافِي عَشْرِ الثَّلَاثِ مِنْ
 اَلثَّمَنِ السَّادِسِ مِنَ السَّنَةِ السَّادِسَةِ مِنَ الْعَشْرِ
 الْخَامِسِ مِنَ الْمِائَةِ الثَّلَاثَةِ مِنَ الْاَلْفِ الثَّانِي
 مِنَ الْحِجْرَةِ وَانَا الْعَبْدُ الْوَالِي بِاَمْرِ اَللّهِ الْاَحَدِ
 حُجَّجُ حَسَنُ بْنُ مَوْلَا اَبِي الْعَبْدِ اَحْمَدُ
 اَوْ تَرَا كِتَابَهُمَا عَيْنِ الْيَدِ وَخَوَسْبَا اِحْسَابًا مِنْ مَرْدِ
 ١٢٤٦



arrive

